

The Outlook of Security, Military and Political Cooperation between Hezbollah and Hamas

Mohammad Javad Soltani Gishini* 

Political science lecturer, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.
soltanijavad@alumni.ut.ac.ir

Abstract

Objective: This article explores the cooperation between Hamas and Hezbollah and the outlook of this cooperation and attempts to answer the question, what elements will affect the outlook of cooperation between these two groups?

Method: In order to answer the purpose of this research, the explanatory analytical method has been used.

Results: As a result of the evolving of the relations of the Zionist regime with its surroundings, the triangle of the resistance, the conservative Arabs and the Zionists became into the Arab-Zionist axis. In addition to this trend, there has been an increase in the number of wars between Hamas and this regime over the past two decades, which has been the cause of a pragmatic approach in the cooperation between Hezbollah and Hamas. In addition, the normalizing of this regime around Iran created the conditions for the relations between the resistance groups that increased the security threat of this regime along with the assistance of Iran. The status of Hezbollah and Hamas is more prominent than that of other resistance groups. Geographically and militarily, they pose the greatest threat to this regime. The most recent development of this cooperation is the support and coordination in the military assault on the Zionist areas after the Al-Aqsa storm.

Conclusion: The results show that the cooperation outlook of these two groups is more influenced by the structural element of the international system (USA) and the regional element (patron state and the existence of a common enemy) than by the internal element. Along with the Zionist efforts to increase their regional influence, the possibility of joint efforts between Hezbollah and Hamas will be greater in the future than in the past.

Key Words: Hezbollah, Hamas, Patron State, Zionist Regime, International Element, Outlook Of Cooperation

Article type: Research

* Received on 6 July 2024

Accepted on 24 September 2024

Cite this article: Soltani Gishini (2025) The Outlook of Security, Military and Political Cooperation between Hezbollah and Hamas, winter 2025, Vol.13, NO.4, 1-23.

DOI: 10.30479/psiw.2024.20610.3343


© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Mohammad Javad Soltani Gishini (soltanijavad@alumni.ut.ac.ir)

افق همکاری‌های امنیتی، نظامی و سیاسی حزب‌الله - حماس

محمدجواد سلطانی گیشینی 

مدرس روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان. soltanijavad@alumni.ut.ac.ir

چکیده

هدف: این مقاله همکاری‌های حماس و حزب‌الله و افق این همکاری‌ها را بررسی می‌کند و در صدد پاسخ به این سؤال است: «چه عواملی بر افق همکاری‌های بین این دو گروه تأثیر خواهد گذاشت؟»
روش: برای پاسخ به هدف این پژوهش از روش تبیینی-تحلیلی استفاده شده است.
یافته‌ها: به دنبال توسعه روابط رژیم صهیونیستی با پیرامون خود، مثلث مقاومت، اعراب محافظه‌کار و صهیونیست‌ها به محور عربی-صهیونیستی تبدیل شد. در کنار این روند شاهد افزایش تعداد جنگ‌های بین حماس و این رژیم در دو دهه گذشته هستیم که سبب رویکرد عمل‌گرایانه‌ای در همکاری‌های حزب‌الله-حماس شده است. همچنین عادی‌سازی این رژیم در پیرامون ایران، شرایطی فراهم کرده است که روابط بین گروه‌های مقاومت در کنار حمایت‌های ایران، تهدید امنیتی برای این رژیم را تشدید کند. وضعیت حزب‌الله و حماس که از نظر جغرافیایی و نظامی بالاترین میزان تهدید برای این رژیم را دارند، بیش از دیگر گروه‌های مقاومت برجسته است. اخیراً حمایت‌ها و هماهنگی در حمله نظامی به مناطق صهیونیست‌نشین پس از طوفان الاقصی گویای توسعه این همکاری‌ها است. نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان می‌دهد مؤلفه ساختاری نظام بین‌الملل و مؤلفه منطقه‌ای (دولت حامی و وجود دشمن مشترک) بیش از مؤلفه‌های داخلی بر افق همکاری‌های این دو گروه تأثیر خواهد گذاشت. همسو با تلاش صهیونیست‌ها برای افزایش نفوذ منطقه‌ای خود، احتمال تشریک مساعی حزب‌الله-حماس در آینده بیش از گذشته خواهد بود.

واژگان کلیدی: حزب‌الله، حماس، دولت حامی، رژیم صهیونیستی، مؤلفه بین‌المللی، افق همکاری.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۶/۴/۱۴۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۳/۷/۱۴۰۳

استناد: سلطانی گیشینی (۱۴۰۳) افق همکاری‌های امنیتی، نظامی و سیاسی حزب‌الله-حماس، زمستان ۱۴۰۳، دوره ۱۳ شماره ۴، پیاپی ۵۲، ۱-۲۳.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

۱- مقدمه

گروه‌های مقاومت جدای از گرایش‌های مذهبی متفاوت آن‌ها از منظر ایدئولوژیک، اهداف و اساسنامه‌ای که دارند، مبارزه با رژیم صهیونیستی هدف مشترک آن‌ها است. رویکرد داخلی (ایدئولوژیک) این گروه‌ها در برهه‌ای سبب فاصله از این هدف شد. این رویکرد تحت تأثیر وجود دشمن مشترک، میل به بقا و دولت حامی سیر منعطفی را دنبال کرده است. هر زمان این گروه‌ها بر مؤلفه‌های ایدئولوژیک صرف متکی بودند، زمینه همگرایی بین آن‌ها کمتر شده است و هر زمان بر دشمن مشترک و دولت حامی متمرکز شده‌اند، بسترهای همگرایی بین آن‌ها بیشتر فراهم شده است. این موضوع در ارتباط با حزب‌الله و حماس برجسته‌تر است. عمل‌گرایی این دو گروه در مبارزه با رژیم صهیونیستی در دو دهه اخیر سبب توسعه نفوذ آن‌ها در تحولات فلسطین و منطقه شده است. با افزایش همکاری صهیونیست‌ها با اعراب محافظه‌کار و تلاش برای حذف مسئله فلسطین، وقوع عملیات طوفان الاقصی و جنگ غزه گرایش به همکاری بین این گروه‌ها افزایش یافته است.

رویکرد مبارزاتی این دو گروه تا شروع تحولات عربی ۲۰۱۰ جنبه ایدئولوژیک، سرزمینی و به‌عبارتی ملی داشت؛ اما شروع تحولات عربی، افزایش اتحاد طبیعی بین اعراب محافظه‌کار و رژیم صهیونیستی و گسترش جریان‌های تکفیری و وقوع طوفان الاقصی پویایی‌های این دو گروه را بیشتر کرد و اگرچه در برهه‌ای در مقابل همدیگر قرار گرفتند، روند همکاری آن‌ها به شدت برجسته شد که اوج آن در تحولات پس از طوفان الاقصی دیده می‌شود. توجه اعراب به تشکیلات خودگردان، اقدامات آمریکا برای وابسته کردن امنیت اعراب به امنیت صهیونیست‌ها و حمایت ایران از حماس در جنگ پس از طوفان الاقصی سبب شد حماس بیش از پیش از متحدان عرب خود ناامید شود و گرایش بیشتری به سوی حزب‌الله و ایران داشته باشد. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی به‌عنوان دشمن مشترک این گروه‌ها و ایران به دنبال توسعه نفوذ خود در تحولات منطقه است و به هر میزان عادی‌سازی روابط آن با کشورهای منطقه و پیرامون ایران بیشتر شود، همکاری بین این گروه‌ها و حمایت‌های ایران از آن‌ها بیشتر خواهد شد. با توجه به این واقعیت‌ها به نظر می‌رسد افق همکاری‌های بین این دو گروه با محوریت ایران توسعه یابد.

سؤال پژوهش این است که چه عواملی بر افق همکاری‌های بین این دو گروه در ابعاد امنیتی، سیاسی و نظامی تأثیر خواهد گذاشت. فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مطرح شده این است که وجود دشمن مشترک و دولتی حامی در کنار نقش ساختاری نظام بین‌الملل (آمریکا) سبب شده است اختلافات بین گروهی که عمدتاً به مؤلفه داخلی (ایدئولوژیک) مربوط می‌شود، کمرنگ، و همکاری بین دو گروه عمیق‌تر شود.

۲- پیشینه پژوهش

در این قسمت به بررسی برخی منابع مرتبط با موضوع پژوهش اشاره می‌شود: شای اوسران^۱ (۲۰۱۳) در مقاله «همکاری حزب‌الله-حماس: محرک‌ها و چشم‌انداز» ضمن تلقی دو گروه به‌عنوان دو سازمان تروریستی، معتقد است این همکاری‌ها با فشار ایران شکل گرفته است؛ در حالی که به هدف مشترک این دو گروه در شکل دادن به همکاری‌ها توجه ندارد. کیم کراگین^۲ (۲۰۱۶) در کتاب «فرا تر از القاعده: حلقه‌های بیرونی جهان تروریسم» به مقایسه جایگاه حزب‌الله و حماس در لبنان و فلسطین پرداخته و معتقد است عوامل پیرامونی در برخی مواقع شرایط همکاری بین این دو گروه را فراهم کرده است که با افول نقش این عوامل، افتراقات در واگرایی بین این دو گروه دست برتر را خواهد داشت و نمی‌توان به مسئله همکاری بین آن‌ها فراتر از موضوع فلسطین پرداخت.

سهیب جوهر^۳ (۲۰۲۲) در مقاله «لبنان: پایگاه استراتژیک جدید برای حماس» در واقع تغییرات چهره‌های سیاسی در حماس را عامل گرایش به همکاری حزب‌الله و حماس معرفی می‌کند. از نظر وی جوهر تغییر سیاسی در سوریه می‌توانست شکاف بین حماس و مقاومت را افزایش دهد و در نتیجه این گروه را در مسیری اندازد که سال‌ها پیش محمود عباس آن را پیمودند و از مسئله فلسطین فاصله گرفتند.

این مقاله از منظر اینکه به ابعاد و افق همکاری‌های نظامی، امنیتی و سیاسی دو گروه در کنار نقش حامی ایران در چهارچوب مدل باپات^۴ و باند^۵ پرداخته است یک نوآوری است. پس از چهارچوب نظری به نقش مؤلفه‌های ساختاری، دشمن مشترک، دولت حامی و ایدئولوژی بر همکاری‌های بین آن‌ها تمرکز خواهد شد؛ سپس سه حوزه همکاری نظامی، سیاسی و امنیتی حماس-حزب‌الله بررسی، و در آخر به چشم‌انداز این همکاری‌ها پرداخته می‌شود.

۳- چهارچوب نظری: مدل باپات و باند

مدل باپات و باند از مهم‌ترین ابزارها برای تبیین همکاری بین گروه‌های غیردولتی است. این پژوهشگران معتقدند همانطور که دولت‌ها برای بقا، بهبود وضعیت، تقویت قدرت و امنیت متقابل، دسترسی به اطلاعات و منابع و رقابت مؤثرتر با یکدیگر همکاری می‌کنند، بازیگران غیردولتی و شبه‌نظامی نیز به شیوه‌ای مشابه عمل می‌کنند و حتی مرگبارتر از آن‌ها می‌شوند (Potter, Horowitz, 2012: 9).

1. shai Oseran
2. Kim Cragin
3. souhayb jawhar
4. Bapat
5. Bond

بر اساس این مدل، انگیزه‌های استراتژیک به‌ویژه تمایل به افزایش قابلیت‌های کلی اغلب باعث همکاری بین این گروه‌ها می‌شود. امکان حملات در مقیاس بزرگ‌تر فرصتی برای آموزش مشترک و توسعه مهارت‌های جدید و گسترش دانش تاکتیکی حاصل از این همکاری‌ها است. بقای گروه یک عامل مهم است که روابط همکاری‌جویانه به بقای گروه‌های غیردولتی کمک می‌کند؛ زیرا دوام گروه با تجمیع منابع ضروری برای بقا افزایش می‌یابد. طبق نظر این دو، همکاری بین گروهی، گروه‌های شبه‌نظامی و غیردولتی را قادر می‌سازد تا بیشتر و مؤثرتر از قبل عمل کنند که به سهم خود به استخدام و رشد آتی کمک می‌کند و احتمال تسلیم یا شکست یک گروه توسط مخالفان را کاهش می‌دهد (Philips, 2013: 4).

مدل باپات و باند همچنین بر اهمیت تجمیع منابع برای انجام یک کارزار نظامی مؤثرتر تأکید می‌کند. تخصص و مزیت نسبی ایجاد می‌کند هر گروه تخصص‌ها و نقاط قوت خود را نمایان کند. علاوه بر این باپات و باند به نقش دولت حامی در این همکاری‌ها توجه می‌کنند. این گروه‌ها اغلب نه تنها به‌منظور تهیه کالاها و کمک‌های مادی، بلکه برای خدمت به حامیان مالی مراجعه می‌کنند. دولت حامی ضامنی است که همکاری بین گروه‌ها را اجرا و فراریان را مجازات می‌کند. وجود دولت حامی مهم است؛ زیرا هزینه‌های همکاری دو گروه بسیار زیاد است و احتمال گرفتار شدن یا انتقام‌جویی از طرف دولت مخالفی که این گروه‌ها برای مبارزه با آن‌ها متحد شده‌اند را افزایش می‌دهد. برای کمک به کاهش عدم اطمینان و اطمینان از حفظ مشارکت هر دو گروه، به یک دولت حامی نیاز است تا این ترس‌ها کاهش یابد (Bapat, Bond, 2012: 3).

این مدل عوامل دیگری را مطرح کرده است که همکاری بین این گروه‌ها را تسهیل می‌کند؛ از جمله: وجود دشمن مشترک، منافع یا اهداف مشترک، یک تجربه مشترک یا شرایط خارجی و یک اتفاق مشترک. ایدئولوژی، عوامل گروهی مانند ساختار، اندازه و تجربه نبرد، عوامل روانی مانند نیاز به اطمینان‌بخشی متقابل و توانمندسازی و عواملی مانند فضاهای بدون حکومت و مجاورت جغرافیایی در همکاری بین این گروه‌ها نقش دارند. در واقع این گروه‌ها ممکن است منافع مشترکی داشته باشند؛ اما به دنبال اهداف مشترکی نباشند (Moghadam, 2012: 14).

این مدل تفاوت مهم انواع همکاری بین گروه‌های شبه‌نظامی را مطرح می‌کند. «همکاری سطح بالا» شامل اهداف، ادغام و اتحادهای استراتژیک است. این همکاری بین گروه‌هایی با جهان بینی و اهداف بسیار مشابه و متداخل رخ می‌دهد. در انتهای طیف همکاری، «همکاری سطح پایین» را داریم که شامل اتحادهای تاکتیکی و روابط تأمین‌کننده است. اتحادهای استراتژیک معمولاً منعکس‌کننده قرابت ایدئولوژیک یا هدفی مهم هستند؛ در حالی که اتحادهای تاکتیکی حاصل توافق ایدئولوژیک پیش‌بینی شده نیستند (Potter, Horowitz, 2012: 9). اکنون که برخی از پشتوانه‌های نظری همکاری گروه‌های غیردولتی و شبه‌نظامی را جمع‌بندی کرده‌ایم، می‌توان بررسی انگیزه‌های خاصی را که منجر به همکاری دو بازیگر در مطالعه کنونی ما شد،

شروع کرد. این مقاله در چهارچوب نقش مؤلفه‌های ساختاری، دشمن مشترک، دولت حامی و مؤلفه داخلی (ایدئولوژیک) به چشم‌انداز همکاری‌های این دو گروه می‌پردازد.

۴- نقش مؤلفه ساختاری (آمریکا) در افق همکاری

مؤلفه ساختاری یا شرایط خارجی به صورت غیرمستقیم و مستقیم در همکاری حزب‌الله - حماس نقش داشته است و آن مؤلفه، عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با اعراب است. عادی‌سازی سبب می‌شود این رژیم سطح بالاتری از قدرت و موقعیت را کسب کند و در این شرایط مخالفین آن گرایش بیشتری به اتحاد پیدا کنند. فشار ایالات متحده در عادی‌سازی مهم‌ترین مؤلفه ساختاری است. ستون تغییر روابط اعراب با این رژیم با محوریت آمریکا در توافق کمپ‌دیوید تجلی یافت. موافقتنامه‌های صلح با مصر و اردن در ۱۹۷۹ و ۱۹۹۴ راه را برای عادی‌سازی با دیگر کشورهای عرب فراهم کرد (Frantzman, 2017). کمپ‌دیوید یک روند در تاریخ مدرن غرب آسیا بود و انورسادات تجلی یک قهرمان را یافت. به تدریج در دهه ۱۹۹۰ رژیم صهیونیستی با کمک آمریکا پیشرفت‌هایی در روابط خود با بحرین، مراکش، تونس، عمان و قطر داشت که انتفاضه دوم مانع این توسعه شد. سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) و دولت فلسطین بین ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱ شش موافقتنامه ناموفق با هدف صلح بلندمدت با صهیونیست‌ها امضا کردند (The New York times, 2016). در این دوران هیچ دولت عربی حاضر به حمایت مستقیم از گروه‌های مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی نبود.

کنفرانس مادرید ۱۹۹۱ گام دوم عادی‌سازی این رژیم با اعراب بود. در این سال که جنگ اول خلیج فارس رخ داد، همکاری بین آمریکا و اعراب نشانگر تغییر جدیدی در غرب آسیا بود و از این ابزار برای حل اختلافات اعراب و صهیونیست‌ها استفاده شد. توافقات اسلوو ۱۹۹۳ نقطه عطف دیگری در عادی‌سازی با محوریت آمریکا بود. در این دوره رژیم صهیونیستی تلاش کرد با ساف به توافقاتی برسد. گام بعدی عادی‌سازی به مذاکرات اسلوو دو^۱ در ۱۹۹۵ می‌رسد. گروه‌های فلسطینی مخالف اقدامات عرفات حاضر به پذیرش مفاد این معاهده نشدند و اقدامات نظامی گروه‌های مقاومت علیه صهیونیست‌ها ادامه یافت (Shlaim, 1994: 23).

معامله قرن و پیمان‌های ابراهیم ۲۰۲۰ اوج نقش مؤلفه ساختاری (آمریکا) است. سیاست‌گذاران اوپاما به‌ویژه دیوید پترائوس معتقد بودند با حل مسئله فلسطین اعراب را می‌توان متحد صهیونیست‌ها کرد. در راهبرد «صلح در خارج، صلح در درون»، قرار بود پس از عادی‌سازی روابط با اعراب، معامله قرن رخ دهد. در چهارچوب این راهبرد، تشکیلات خودگردان و عربستان به نمایندگی از جهان اسلام در توافق با صهیونیست‌ها مسئله فلسطین را حل خواهند کرد و مخالفت با آن را یک دهن‌کجی به صلح در منطقه و بی‌دلیل ارزیابی می‌کنند

1. The Taba Agreement = Oslo II

(Lissner, Zenko, 2017). با معرفی حماس و حزب‌الله به‌عنوان گروه تروریستی این جریان‌ها قادر به توسعه روابط خود با دولت‌های عربی نشدند.

مؤلفه ساختاری، شکاف بین حماس و ساف را به نهایت رساند و در واقع ساف به‌عنوان دولتی فلسطینی در برابر یک گروه تروریستی قرار گرفت و بقای حماس را به خطر انداخت. حمایت‌ها از ساف، حماس را مجاب کرد که عدم توسعه روابط خود با دیگر گروه‌های مقاومت و ایران سبب خواهد شد در روند مسائل غرب آسیا با محوریت فلسطین که هدف مشترک حماس با حزب‌الله و ایران است، جایگاهی نداشته باشند.

۵- نقش مؤلفه منطقه‌ای (دشمن مشترک و دولت حامی) در افق همکاری

مؤلفه منطقه‌ای که شامل تلاش برای بهبود وضعیت؛ تقویت قدرت و امنیت متقابل؛ دسترسی به اطلاعات و منابع، افزایش قابلیت‌های کلی و دولت حامی می‌شود، نقشی سلبی-ایجابی در همکاری حماس-حزب‌الله دارد. از اوایل دهه ۱۹۹۰ که رژیم صهیونیستی رهبری حماس را به لبنان تبعید کرد، این دو گروه اتحادی را ایجاد کردند که برای چندین دهه توازن قدرت غرب آسیا را شکل داده است. اما تحولات عربی ۲۰۱۰ و برجسته شدن بازگشت جریان‌های اخوانی به عرصه سیاسی سبب شد مؤلفه ایدئولوژیک باعث جدایی دو گروه شود. حماس حامی احیای اخوان‌المسلمین در جنگ سوریه نقش‌آفرینی کرد و در مقابل حزب‌الله و اسد قرار گرفت. ده سال روابط حماس-حزب‌الله متأثر از بحران سوریه شد. حماس در ۲۰۱۲ حمایت خود از اعتراضات خیابانی ضد اسد را بیان داشت و دفتر خود را از دمشق به دوحه انتقال داد. در فوریه ۲۰۱۲، شهید اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس طی سخنرانی در مسجد الازهر قاهره بیان کرد «مردم سوریه برای آزادی، دموکراسی و اصلاحات می‌کوشند». نمازگزاران شعار «نه حزب‌الله و نه ایران» سر دادند (Cafiero, Certo, 2014).

حزب‌الله که به دنبال اجتناب از گسست با حماس بود، از محکوم کردن تصمیم این گروه برای خروج از سوریه خودداری کرد و با صدور یک دستور داخلی مانع از انتقاد نمایندگان خود از همتایان فلسطینی شد. به دنبال شکاف روابط حماس-حزب‌الله، سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله به فلسطینیان یادآوری کرد که در جنگ صهیونیست‌ها علیه حزب‌الله در ۲۰۰۶ و عملیات سرب گداخته در غزه (۲۰۰۸-۲۰۰۹)، سوریه تنها کشور عربی بود که به هر دو سازمان تسلیحات داد. اما تنش‌های حماس و حزب‌الله بر سر سوریه در ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ تشدید شد. در بهار ۲۰۱۳ نیروهای حزب‌الله برای اخراج شورشیان از قصیر در امتداد مرز سوریه و لبنان، عازم سوریه شدند. پس از هفده روز درگیری شدید، شورشیان در نهایت از شهر بیرون رانده شدند؛ پیروزی که عمدتاً به مداخله مستقیم حزب‌الله نسبت داده می‌شود. در واکنش، یکی از رهبران

حماس مستقر در مصر از حزب‌الله خواست «نیروهایش را از سوریه خارج کند و سلاح‌های خود را علیه صهیونیست‌ها نگه دارد» (Christopher, 2017).

در مقابل، حزب‌الله مدعی بود عوامل حماس پس از کشف تونل‌های حفر شده با دستگاه‌های ایرانی که حزب‌الله برای استفاده در غزه به حماس منتقل کرده بود، به جهادگران سنی در قصیر کمک کرده‌اند. حزب‌الله گزارش داد که بسیاری از سربازان خود را در تونل‌های بمب‌گذاری شده در جریان محاصره از دست داده است. حماس این ادعاها را نپذیرفت؛ اما شایعاتی از جمله اینکه اعضای حماس علیه اسد در اردوگاه آوارگان فلسطینی یرموک در دمشق جنگیده‌اند، همچنان ادامه داشت (Danin, 2012).

روی کارآمدن اخوان‌المسلمین در مصر شکاف حماس و حزب‌الله را بیشتر کرد. در حالی که مذاکره‌کنندگان حماس-حزب‌الله برای بازسازی روابط در بیروت کار می‌کردند، کودتای نظامی در مصر دولت اخوان‌المسلمین را بیرون راند، ارتش را به قدرت بازگرداند و مرز بین غزه و مصر را دوباره بست. رؤیای حماس برای موازنه قوای منطقه‌ای با اخوان‌المسلمین که قدرت را در مصر، غزه و سوریه در دست داشتند با حمایت قطر از بین رفته بود. قطر که به حماس پیشنهاد یک دفتر سیاسی در دوحه را داده بود و از پروژه‌های توسعه در غزه حمایت می‌کرد، نشان داد تمایلی به ارائه کمک‌های نظامی ایران که حماس به آن متکی بود، ندارد. این تحولات راه برای نزدیکی حماس با ایران و عادی‌سازی روابط با حزب‌الله را آسان کرد. در حالی که حماس روابط خود با ایران و حزب‌الله را احیا می‌کرد، برخی مقامات آن پرچم ارتش آزاد سوریه را به اهتزاز در می‌آوردند. هنیه در ۲۰۱۴ در یک سخنرانی در ارتباط با مواضع ضد سوری گفت: «حماس نه معاشقه و نه التماس کسی را می‌کند. نه پشیمان می‌شود و نه از کسی عذرخواهی می‌کند» (Cafiero, Certo, 2014). به نظر می‌رسید می‌بایست محاسبات حماس فراتر از جنگ داخلی سوریه باشد و شراکت راهبردی علیه رژیم صهیونیستی را با حزب‌الله و ایران حفظ کند.

همسویی مجدد حماس با دمشق در حالی صورت می‌گرفت که کشورهای عربی به رژیم صهیونیستی نزدیک شدند و حماس برای جلب حمایت بیشتر ایران و حزب‌الله و ممانعت از انزوای خود، احیای روابط با اسد را آغاز کرد. نورا دوخی معتقد است حماس باید به احیای روابط با اسد می‌پرداخت تا حمایت دولتی را برای تداوم فعالیت‌های خود برای فلسطین مهیا کند و یک نتیجه این احیا، کسب حمایت‌های حزب‌الله بود. دوخی معتقد است در باب احیای روابط با سوریه و توسعه همکاری با حزب‌الله بین شاخه نظامی و سیاسی حماس اختلاف بود و سرانجام مواضع شاخه نظامی که تحت حمایت‌های حزب‌الله و ایران است برتری یافت (Doukhi, 2022). حزب‌الله در احیای روابط حماس-سوریه نقش داشت. هدف حزب‌الله از احیای روابط ایجاد شکاف در تروریست‌های وابسته به گروه‌های اخوانی و گروه‌های تحت حمایت ترکیه در سوریه بود.

عادی‌سازی رژیم صهیونیستی با اعراب، حماس را واداشت بیش از گذشته به حزب‌الله نزدیک شود. عادی‌سازی با صهیونیست‌ها ضمن حفظ موازنه درون عربی، در برابر ایران نیز یک توازن ایجاد می‌کرد و سبب می‌شد ایران بیش از گذشته به نقش حماس و حزب‌الله توجه کند (Fisher, 2017).

وجود دولت حامی، دیگر مؤلفه مهم منطقه‌ای است. بلندپروازی‌های سعودی‌ها جنگ سرد جدیدی در بین قدرت‌های منطقه پدید آورد که هدف آن کاربست گروه‌های تکفیری برای توسعه بحران به کشورهای محور مقاومت بود. در این شرایط ایران در قالب استراتژی خیابان عربی تمرکز خود را بر حمایت از گروه‌های مقاومت و اتحاد آن‌ها کرد (Madawi, 2017). ایران به دنبال ترور فرماندهان مقاومت، سیاست اخراج آمریکا از منطقه را دنبال می‌کند و برای رسیدن به این هدف و افزایش فشار بر رژیم صهیونیستی بیش از حمایت دولت‌های عرب به حمایت و اتحاد گروه‌های مقاومت نیاز دارد تا هم وضعیت خود و هم قابلیت‌های کلی گروه‌های مقاومت را افزایش دهد. رژیم صهیونیستی به سبب موقعیت ضعیف جغرافیایی و نزدیکی حزب‌الله و حماس به مناطق اشغالی، سیاست قراردادن اعراب خلیج فارس در برابر ایران را با جدیت دنبال کرد و ایران متقابلاً بیش از گذشته بر اتحاد و حمایت از حزب‌الله و حماس متمرکز شد.

ایران مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری و توسعه روابط حزب‌الله و حماس داشته است. یک دلیل وجودی تأسیس حزب‌الله این بود که این گروه در پاسخ به تهاجم صهیونیست‌ها به لبنان در ۱۹۸۲ ظهور کرد. حماس نیز به سهم خود در ۱۹۸۷ و در جریان انتفاضه اول فلسطین تأسیس شد و اندکی پس از آن شروع به نمایش خود به‌عنوان شاخه‌ای از محور مقاومت کرد و این همه زیر لوای حمایت ایران ممکن بود (Koss, 2023).

مجاورت جغرافیایی برای ایران برای حفظ موازنه تهدید علیه رژیم صهیونیستی ضروری است. حماس و حزب‌الله این بعد مسافت را برطرف می‌کنند. تهدیدات مکرر علیه سرزمین‌های اشغالی و وقوع چندین جنگ علیه صهیونیست‌ها سبب شده بود سال‌ها اشغال‌گران در مرزهای کشور اشغالی درگیر تهدیدات پیرامونی گروه‌های غیردولتی شوند. جنگ این رژیم پس از طوفان الاقصی در ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ غزه نزدیک به یک سال شده است. با توجه به توسعه روابط این رژیم با همسایگان ایران و تحریک گروه‌های تجزیه‌طلب، حمایت ایران از گروه‌های مقاومت در آینده بیش از گذشته خواهد شد. رهبری انقلاب بیان کردند:

«جمهوری اسلامی از هر گروهی که با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، حمایت خواهد کرد... کرانه‌ی باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود... ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ ۳۳ روزه و جنگ ۲۲ روزه بود... هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم... ما اسیر محدودیت‌های مذهبی نشدیم؛ ما نگفتیم این شیعه است،

این سنی است... ما توانستیم مشت برادران فلسطینی‌مان را در غزه و در مناطق دیگر تقویت کنیم» (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳).

ایران در تلاش است علاوه بر مجاورت جغرافیایی، با افزایش توانمندی نظامی گروه‌های مزبور و تجمیع منابع آن‌ها، از نظر نظامی نیز موازنه قدرت را به سود دو گروه مزبور تغییر دهد. حزب‌الله با تونل‌های موشکی و حدود ۱۵۰ هزار موشکی که در اختیار دارد، بزرگ‌ترین تهدید برای تل‌آویو به شمار می‌رود. نصرالله در یکی از سخنرانی‌های خود به افشاگری درباره تعداد رزمندگان حزب‌الله پرداخت و تأکید کرد که این جنبش ۱۰۰ هزار رزمنده آموزش دیده برای مقابله با هرگونه تجاوز دارد. این در حالی است که این گروه در جریان جنگ ۲۰۰۶ حدود ۱۵ هزار موشک در اختیار داشت. تخمین زده می‌شود حماس نیز بیش از ۱۵ هزار موشک با بردهای مختلف در اختیار دارد که می‌تواند تمام مناطق اشغالی را مورد حمله قرار دهد (Blanford, 2023).

سیاست حمایت ایران لبنان را به پایگاه استراتژیک حماس تبدیل کرده است. شهید هنیه در بیانیه پس از جنگ ۲۰۲۳ از کشورها و گروه‌هایی که از مقاومت و مردم فلسطین حمایت کردند و «بخصوص ایران و حزب‌الله که در ایجاد معادله قدرت در برابر دشمن نقش داشتند»، تشکر کرد. ایران از زمان آغاز «انتفاضه سنگ» به حمایت از مقاومت فلسطین ادامه داد؛ در «انتفاضه الاقصی» به آن شدت داد و در ده سال اخیر به اوج خود رساند و با هر دور تنش (میان مقاومت و رژیم صهیونیستی) ایران در ایجاد و تقویت توانایی‌های مقاومت فلسطین سهیم بوده است (Lecocq, 2021: 8). دعوت از هنیه در مراسم تحلیف ریاست جمهوری مسعود یزشکیان و ترور وی در تهران توسط صهیونیست‌ها، گویای عمق این روابط بود.

پس از تبعید نیروهای حماس به لبنان و تشکیل اردوگاه‌های فلسطینی در این کشور، نیروی قدس سپاه پاسداران بیشترین حمایت از نیروهای حماس را داشته است. وزن منطقه‌ای ایران نقطه قوت فلسطین و گروه‌های مقاومت است. هدف اولیه ایران در ارتباط با جنبش‌های مقاومت این است که این گروه‌ها بخشی از فرایند سیاسی و قدرت در جوامع مبدا شوند. فعالیت مستمر حزب‌الله در جبهه جولان و شمال فلسطین به مقاومت در غزه نیز کمک می‌کند. حمله به سفارت ایران در سوریه و واکنش نظامی مستقیم ایران حاکی از آن بود که تهران در راستای حمایت از متحدان خود و حفظ بازدارندگی ظرفیت حمله مستقیم به خاک فلسطین اشغالی را دارد. به هر میزان که قدرت منطقه‌ای و نفوذ ایران بیشتر شود، روابط حزب‌الله و حماس عمیق‌تر خواهد شد.

۶- نقش مؤلفه داخلی (ایدئولوژیک) در افق همکاری

ایدئولوژی و انگیزه‌های درون‌گروهی غالباً زیربنای شکل‌گیری گروه‌ها است. در حالی که ایدئولوژی می‌تواند دو گروه را به هم نزدیک کند، جنبه مذهبی آن برای حماس و حزب‌الله به نسبت صدق نمی‌کند. رابطه بین لبنانی‌های شیعه و فلسطینی‌های سنی در جنوب لبنان در اوایل

دهه ۸۰ در جنگ داخلی آغاز شد؛ اما این شکاف با گذشت زمان به واسطه همان مؤلفه‌های منطقه‌ای و ساختاری کاهش یافت؛ زیرا رژیم صهیونیستی بیش از حد در این کشور ماندگار و به دشمن مشترکی تبدیل شد. مبارزه با دشمن مشترک دلیل مهمی برای همکاری سطح بالا است. انگیزه مشترک دیگر ناشی از علاقه هر دو گروه به تضعیف روند صلح رژیم صهیونیستی-اعراب است و با انجام این کار، تضعیف مشروعیت و محبوبیت تشکیلات خودگردان فلسطین، رقیب اصلی حماس حاصل می‌شود. مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و در برابر هرگونه عادی‌سازی به بخش بزرگی از دلیل وجودی حزب‌الله و حماس تبدیل شده است (Ghaddar, 2013: 11).

انگیزه حماس به‌عنوان گروهی کوچک و ضعیف برای ایجاد روابط نزدیک‌تر با گروه قدرتمندتر و با تجربه‌تر در لبنان واضح است. حضور نیروهای حماس در لبنان برای بیش از یک سال در اوایل دهه ۹۰ فرصت کافی برای آن‌ها فراهم کرد تا از موفقیت حزب‌الله در جنگ با نیروهای صهیونیست‌روشن‌های جنگ را بیاموزند. علاوه بر این حزب‌الله (و ایران) منبع بزرگی برای تسلیحات جدید بود. انگیزه ظریف‌تری که ممکن است حماس را وادار به متحد شدن با حزب‌الله کرده باشد، علاقه حماس به یادگیری چگونگی تعادل موفقیت‌آمیز مقاومت نظامی خود با آرمان‌ها و مشارکت سیاسی رو به رشدش است (Reigeluth, 2011). حماس یاد گرفت که به موازات ادامه فعالیت‌های مسلحانه خود، از حزب‌الله تقلید کند که با موفقیت، حزبی سیاسی به‌عنوان جریان اصلی و جنبش اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کرده بود.

دلایل متعددی برای حزب‌الله وجود دارد که به همکاری با حماس بیندیشد. حزب‌الله به‌عنوان یکی از ستون‌های محور مقاومت منافع مشترکش با ایران را در منطقه پیش می‌برد و حمایت از فلسطینی‌ها علیه رژیم صهیونیستی بخش مهمی از استراتژی آن است. حماس ایران را قادر می‌سازد تا کانون دیگری از مبارزه را در امتداد مرز جنوبی این رژیم ایجاد کند و حزب‌الله نقش پیمانکار فرعی را در تسلیح و آموزش آن‌ها ایفا می‌کند. ایران پس از انزوای سیاسی و اقتصادی حماس در پی سرنگونی مخالفان فتح در غزه، حمایت خود را از حماس افزایش داد (موسوی، علویان، ۱۴۰۱: ۱۷). از آنجا که ایران به دنبال ایفای نقش بزرگ‌تر در منطقه است، این یک برد-برد هم برای خود و هم برای حماس بود و حزب‌الله به‌عنوان یک میانجی مهم استفاده شد.

آموزش عوامل حماس در لبنان و صحرای سینا و فرستادن آن‌ها برای عملیات در غزه و کرانه باختری، جبهه‌های جنگی بیشتری را علیه صهیونیست‌ها ایجاد کرد که مزایای زیادی به همراه داشته است. این همکاری سبب می‌شود رژیم صهیونیستی نیروهای خود را در امتداد مرزهای شمالی و جنوبی تقسیم کند و وحدت میادین را به واقعیتی چالشی برای این رژیم تبدیل کند. حمایت حزب‌الله از فلسطین به حماس کمک می‌کند از حمایت سیاسی در لبنان برخوردار شود. این حمایت از طریق سخنرانی رهبران حزب‌الله، که از فلسطینی‌ها حمایت می‌کنند و بر تعهد خود

برای ایستادن در کنار آنها تأکید می‌کنند و همچنین از طریق تبلیغات حماس که از شبکه المنار حزب‌الله پخش می‌شود، بخشی از تلاش‌های مشترک آنها در جنگ روانی علیه دشمن مشترک است (Abi akl, 2023). وقوع طوفان الاقصی و حملات حزب‌الله به اراضی اشغالی گویای عمق روابط سطح بالای دو گروه است.

با توجه به انگیزه‌های مشترک و انفرادی دو گروه مزبور و تحلیل عوامل فوق به نظر می‌رسد افق همکاری حماس-حزب‌الله به سوی تعمیق روابط در ابعاد سیاسی، نظامی و امنیتی باشد. تجربه ده ساله تحولات عربی و عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی-اعراب به حماس نشان داد نمی‌تواند به دولت‌های عرب متکی باشد و باید با گروه‌های مشابه خود، به‌ویژه حزب‌الله، به تعمیق روابط روی آورد.

۷- ابعاد همکاری‌های حزب‌الله و حماس

تا زمانی که آن مؤلفه‌های دشمنی مشترک؛ دولت حامی، تلاش برای بقا و موارد گفته شده در کنار انگیزه‌های فردی و مشترک تداوم داشته و بقای یک گروه به آنها مرتبط باشد، افق همکاری نیز امکان‌پذیر است. اگرچه در ارتباط با حزب‌الله و حماس این بحث مطرح می‌شد که هدف ایران استفاده از آنها برای صدور انقلاب است؛ اما با فرض نادیده انگاشتن ایران باز هم این همکاری به سبب آن انگیزه‌ها ممکن است. یکی از تهدیدات راهبردی علیه رژیم صهیونیستی این است که عادی‌سازی با برخی کشورهای عرب سبب همکاری‌های استراتژیک حزب‌الله و حماس با ایران بیش از گذشته شود و استراتژی حلقه آتش ایران در مجاورت اسرائیل را مستحکم سازد. این همکاری‌ها بازدارندگی رژیم صهیونیستی را متزلزل و دو گروه را تبدیل به مهم‌ترین بازیگران تأثیرگذار در سیاست منطقه می‌کند (Caspit, 2023).

با افزایش عمل‌گرایی رژیم صهیونیستی، همکاری حماس-حزب‌الله نیز افزایش یافته است. با توجه به تأثیر عوامل گفته شده بر این همکاری، مؤلفه نظامی، امنیتی و سیاسی بستر افق همکاری‌ها بین دو گروه را شکل می‌دهد. افق همکاری بین این دو بازیگر نشان می‌دهد که به‌دنبال معرفی خود به‌عنوان دو نیروی سیاسی دولتی هستند و اقدامات نظامی-امنیتی آنها اقداماتی جنگی است که فقط از بازیگر دولتی و مرتبط با آن نشأت می‌گیرد.

۷-۱. همکاری‌های نظامی

فاز نظامی نخستین بستر همکاری حماس-حزب‌الله است. نوع تعامل رژیم صهیونیستی با این دو گروه متمرکز بر حوزه نظامی و جنگ بوده است. تبعید ۴۱۵ عضو حماس به لبنان در ۱۹۹۲ گام نخست همکاری‌های نظامی این دو گروه را شکل داد و به انتقال دانش نظامی به آنها کمک کرد. جنگ حزب‌الله و صهیونیست‌ها مدلی برای آینده رفتار حماس با این رژیم شد و این تبعید پیوند بین آن جنگ و بحران رژیم صهیونیستی-فلسطین را مستحکم کرد. آموزش حملات

استشهادی یک مؤلفه مهم در این دوره بود که در جنگ حزب‌الله با نیروهای آمریکایی مستقر در لبنان محوریت داشت (Koss, 2023). هر دو سازمان به این نتیجه رسیدند تنها راه مقابله با رژیم توسل به عملیات‌های جهادی است.

هدف اصلی همکاری‌های نظامی تضعیف روند صلح و جایگاه تشکیلات خودگردان بود؛ زیرا همکاری‌ها در آن زمان کمتر مستعد استفاده از عملیات‌های نظامی بودند. آموزش‌های نظامی به حماس سبب شد تلفات صهیونیست‌ها در حملات این گروه از دو کشته در هر حمله به ۱۰ کشته افزایش یابد. پس از خروج صهیونیست‌ها از لبنان و شروع انتفاضه دوم در ۲۰۰۰ همکاری نظامی بین دو گروه بیشتر شد. شهید عماد مغنیه که گفته می‌شود مغز متفکر حملات استشهادی علیه نیروهای غربی-صهیونیستی در لبنان بود، مأمور شد به حماس در جنگ کمک کند. طبق ادعای صهیونیست‌ها مهم‌ترین حمله حماس تا قبل از طوفان الاقصی علیه این رژیم، بمب‌گذاری «پارک هتل» در آستانه عید فصح در ۲۰۰۲ بود که در آن سی صهیونیست کشته شدند. این حمله به دلیل راهنمایی حزب‌الله در مورد چگونگی ساخت بمب‌های بسیار قوی امکان‌پذیر شد (Chumley, 2013). موج حملات علیه صهیونیست‌ها در این سال‌ها نه تنها شامل بمب‌گذاری‌های انتحاری، بلکه تاکتیک‌ها و تسلیحات پیچیده دیگری مانند بمب‌های کنار جاده‌ای و مین‌ها بود.

همین روند را می‌توان در مورد حمله به کیبوتص ماتزووا^۱ در ۲۰۰۲ مشاهده کرد. رژیم صهیونیستی مدعی است حزب‌الله مهاجمان فلسطینی را آموزش داد و منجر به قتل شش صهیونیست شد. گلیس و برتی معتقدند حزب‌الله با کمک ایران برای اینکه حماس تسلیحات پیشرفته‌ای را برای بهبود قابلیت‌های عملیاتی خود فراهم کند، چندین تلاش برای انتقال سلاح به غزه انجام داد که برخی موفق و برخی دیگر موفق نبودند. کشتی‌های حامل تسلیحات مانند «سانتورینی»^۲، «کارین آ»^۳، «ابوحسن» و «ویکتوریا» توسط صهیونیست‌ها در مسیر غزه رهگیری شدند که نشان‌دهنده تسلیح، بودجه و آموزش مستقیم ایران و حزب‌الله به حماس در غزه بود (Gleis, Berti, 2012).

روند انتقال تسلیحات همچنان پایه روابط حماس-حزب‌الله است. در عملیات «ستون دفاع» صهیونیست‌ها در ۲۰۱۲ علیه حماس در غزه، حماس راکت‌های دوربرد فجر ۵ را که به ادعای صهیونیست‌ها تولید ایران بوده است، معرفی کرد که ارتقای بزرگی در برابر موشک‌های دست‌ساز قسام بود و شهرهای صهیونیست‌نشین مانند تل‌آویو را به زیر برد موشک‌های خود اضافه کرد. اوج همکاری نظامی حزب‌الله با حماس در ۲۰۰۶ بود؛ زمانی که ۸۵ شبکه با کمک حزب‌الله فعالیت می‌کردند که شامل هدایت، تأمین مالی، انتقال، آموزش و انتقال دانش فنی به حماس

1. Matzuva
2. Santorinia
3. Karine A

می‌شد. ربودن شالیت توسط حماس در همان سال حاکی از تقلید الگوی حزب‌الله و استفاده از تونل‌ها برای ربودن سربازان در حال گشت‌زنی در مرز بود. ارتباطات مخفیانه بین دو گروه نشان داد حزب‌الله از حماس خواسته تا در مذاکرات با صهیونیست‌ها بر سر بازگشت شالیت سختگیر باشند. حزب‌الله سه هفته بعد دو سرباز صهیونیست را ربود و جبهه دومی را علیه آن‌ها در حمایت از حماس گشود (Kanter, Rudoren, 2019).

در طول عملیات «سرب گداخته» در ۲۰۰۹ و عملیات «ستون دفاع»، همکاری دو گروه غیرمستقیم بود؛ اما چالش عملیاتی صهیونیست‌ها در نوار غزه شباهت زیادی به عملیات‌های حزب‌الله داشت که نیروهای این رژیم در ۲۰۰۶ در لبنان با آن مواجه بودند. حماس با استفاده از تجربه حزب‌الله به ایجاد یک سیستم زیرزمینی از پناهگاه‌های شبکه‌ای که به‌عنوان مخفیگاه، پست فرماندهی و انبار تسلیحات عمل می‌کردند، مبادرت کرد (Katz, 2020). یکی از پیامدهای مهم همکاری بین دو گروه در این عملیات، تهدید احتمالی حزب‌الله بود که جبهه دومی را در شمال باز می‌کند و ارتش صهیونیست را ملزم به نگره‌داشت بخشی از نیروهای خود در آن ناحیه می‌کرد.

در حالی که حمایت حزب‌الله در جریان این عملیات در غزه به سخنرانی‌ها و تبلیغات در حمایت از فلسطین محدود می‌شد، در کنار یک خط ارتباطی مستمر بین دو گروه، احتمال مداخله نظامی همچنان وجود داشت و احتمالاً صهیونیست‌ها را در هر دور جنگ‌های آینده با حماس با مشکل مواجه خواهد کرد. همکاری‌های نظامی سبب اختفای شکاف‌های سیاسی دو گروه حول تحولات سوریه و مصر شد. این رابطه با تلاش‌های ایران برای تقویت برنامه موشکی حماس بیشتر تقویت شد (Levy, 2021).

حملات موشکی حماس از لبنان به مناطق اشغالی در ۲۰۲۳ نشان داد روابط نظامی بین دو گروه عمیق‌تر از گذشته است و به‌نوعی باید گفت شاخه لبنانی حماس علیه رژیم صهیونیستی شکل گرفته است. ۳۶ راکت پرتابی از لبنان دو صهیونیست را مجروح کرد. صهیونیست‌ها در ۲۰۱۸ به دولت لبنان و حزب‌الله مبنی بر تاسیس شاخه‌های حماس در لبنان هشدار داده بودند. جانانان شانزدهم معاون بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، بیان داشت زیرساخت‌های نظامی حماس در لبنان برای اولین بار در ۲۰۱۸ در نامه‌ای توسط دنی دانون،^۲ سفیر وقت این رژیم در سازمان ملل علنی شد. در نامه دانون آمده است: «مایلم توجه شما را به تقویت روابط بین دو سازمان تروریستی حماس و حزب‌الله جلب کنم. همانطور که در نامه ارسالی در ۲۰۱۷ اطلاع دادم، حماس با حزب‌الله تیبانی کرده است تا فعالیت‌های مخرب خود را فراتر از غزه به مناطقی در لبنان گسترش دهد» (Fabian, 2023).

1. Jonathan Schanzer

2. Danny Danon

دانون در نامه خود قید کرد این همکاری توسط صالح العاروری معاون رئیس دفتر سیاسی حماس در لبنان رهبری می‌شود. دانون در سخنرانی ۲۰۱۹ خود در شورای امنیت ملل متحد بیان داشت حماس مخفیانه در لبنان در حال تشکیل نیروهای نظامی خود و صدها جنگجو را جذب کرده است که اکثراً مردان فلسطینی‌الاصیل هستند. لبنان میزبان بخشی از آوارگان فلسطینی است که به تقویت همکاری نظامی حماس-حزب‌الله کمک می‌کند. شانزر معتقد است حماسی که در لبنان با کمک حزب‌الله شکل گرفته، بسیار قوی‌تر از خود سازمان در غزه است؛ چرا که حزب‌الله مجهز به موشک‌های هدایت شونده دقیق است و احتمالاً حماس در لبنان نیز به آن تسلیحات مجهز شده است. در راستای حمایت از حماس پس از طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی و حزب‌الله پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا آخر ژانویه ۲۰۲۴، ۷۴۰۰ حمله را علیه یکدیگر ترتیب داده‌اند که سهم حزب‌الله از این حملات ۱۲۵۸ حمله بوده است. ترور فواد شکر و ابراهیم عقیل و توسل به حملات سایبری با انفجار پیجرها و برخی لوازم الکترونیکی در لبنان اوج تنش حزب‌الله با این رژیم در این برهه است (Hussein, 2024). به نظر می‌رسد وحدت میداین سبب افزایش بیشتر تنش بین حزب‌الله و رژیم صهیونیستی شده است؛ به گونه‌ای که احتمال جنگ قریب‌الوقوع بین دو طرف را افزایش داده است.

۷-۲. همکاری‌های سیاسی

در ارتباط با این حوزه هر دو گروه سقوط مبارک در مصر و جایگزینی او با اخوان‌المسلمین را تحولی مثبت دانستند که توازن قوا را در منطقه از غرب به سوی دولت‌های مخالف غرب تغییر می‌دهد. اگرچه پیروزی اسلام سنی ممکن بود در روابط سیاسی حماس و حزب‌الله تغییر ایجاد کند. حزب‌الله این امر را به مصر متحد آمریکا در زمان مبارک ترجیح می‌داد، حتی اگر احیای روابط بین حماس و اخوان‌المسلمین، این گروه را از ایران دور کند و بنابراین برای مدتی در روابط حماس و حزب‌الله لطمه زند. شروع روابط حماس با دولت مرسی مشخص کرد ایران به عنوان حامی دولتی مورد نیاز حماس نیست یا حداقل نه به همان میزانی که در گذشته بود (سیمبر، بازدار، ۱۴۰۲: ۱۱). اکنون که حماس اخوان‌المسلمین را در مصر داشت، با توجه به ریشه‌های حماس در اخوان‌المسلمین، تکیه بر آن‌ها بسیار راحت‌تر بود. این شکاف در روابط سیاسی دیری نپایید با کودتای سیسی و تداوم حکومت اسد پایان یافت.

با وجود اختلاف بر سر سوریه، حزب‌الله خواهان حمایت از حماس بود. از نظر حزب‌الله با از دست رفتن سوریه، فلسطین، غزه و بیت‌المقدس نیز از دست می‌رفت. تداوم حکومت اسد سبب شد مسئولان حماس اعلام کنند پیمان محکم‌تری با ایران و حزب‌الله بسته‌اند تا مراقب منافع یکدیگر در منطقه باشند. در ۲۰۱۴ که فتح و حماس حکومت واحدی در فلسطین تشکیل دادند، عمده مشاوره‌های سیاسی حماس توسط حزب‌الله ارائه می‌شد و حماس در این دوره از مدل حزب‌الله پیروی می‌کرد. یاری معتقد است مستشاران سیاسی حزب‌الله به حماس توصیه کردند

طرحی بلندپروازانه‌تر از دفاع صرف از غزه اتخاذ کنند و با فتح در کرانه باختری به رقابت بپردازد و حزب‌الله از آشتی ملی بین گروه‌های فلسطینی حمایت کرد. در این مشاوره‌ها قرار شد حماس همچون حزب‌الله استقلال شاخه‌های نظامی خود را حفظ کند تا سرویس امنیتی فتح به آن‌ها دسترسی نداشته باشد (Yaari, 2014).

شواهدی وجود دارد اختلاف بین رهبری سیاسی دو گروه بر سر جنگ سوریه مانع همکاری نظامی نشده بود. در جنگ ۲۰۱۴ حماس-رژیم صهیونیستی شبکه المنار حزب‌الله مواضع حماس را پوشش می‌داد. برجسته‌ترین کسانی که قصد حفظ ائتلاف با حزب‌الله را در تنش‌های ۲۰۱۴ داشتند، محمود الزهار، یک شخصیت تاریخی مهم در دفتر سیاسی حماس و محمدالفضل بودند که با وجود معلولیت، اعتبار خود را به‌عنوان یکی از رهبران تاریخی گردان‌های القسام حفظ کرد. حزب‌الله ضمن حمایت از دفاتر حماس در ضاحیه بیروت، پشتیبانی مالی از دفتر شبکه تلویزیونی القدس حماس را که در یکی از محله‌های ثروتمندتر ضاحیه مستقر بود، متوقف نکرد. در اوایل ۲۰۱۰، اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه انفجار در ضاحیه نتیجه اشتباه اعضای حماس بود که در حال آموزش موتناژ خودروی بمب‌گذاری شده توسط مشاوران حزب‌الله بودند (Koutsoukis, 2017).

ملاقاتی بین رهبران سیاسی دو گروه در ۲۰۱۴ در بیروت رخ داد که به نظر می‌رسید پیش‌بینی احتمال جنگ حماس-رژیم صهیونیستی سبب این ملاقات بود که در آن حزب‌الله حمایت خود از حماس را اعلام کرد. حزب‌الله در روابط سیاسی همواره پیش‌قدم بوده است. کاهش روابط سیاسی به معنی کاهش نفوذ حزب‌الله و ایران در بحران فلسطین است. چه اینکه در جنگ ۲۰۱۴ پایتخت‌های عربی میانجیگر آتش‌بس بودند و حزب‌الله کمترین نقش را داشت (Chararah, 2014).

دیگر سند همکاری‌های سیاسی دیدار نصرالله در ۲۰۲۳ با هیئت حماس به رهبری شهید هنیه و همراهی العاروری در بیروت بود که مسئله آوارگان، توسعه‌طلبی‌های صهیونیست‌ها و قدس مورد بحث بود (ایسنا، ۱۴۰۱). در ۲۰۲۱ نیز این ملاقات بین نصرالله و شهید هنیه در بیروت تکرار شد. معاون رئیس دفتر سیاسی حماس در غزه در ارتباط با این دیدار بیان کرد: «در این دیدار نتایج نبرد «شمشیر قدس» بررسی شد. دو طرف در مورد نتایج این نبرد بر صحنه عربی و اسلامی گفت‌وگو کردند؛ چرا که در آینده باز ترسیم آرمان فلسطین واقعیت جدیدی را ایجاد کرده است» (جهان‌نیوز، ۱۴۰۰). در همین سال هیئت حماس در صیدا با مقامات حزب‌الله دیدار و درباره اردوگاه‌های فلسطینی در لبنان و لزوم حفظ امنیت آن‌ها تأکید کرد.

به دنبال معامله قرن در ۲۰۲۰ رهبران دو گروه در دیداری بر رد آن و طرح الحاق تأکید کردند و آن را در راستای اجرایی کردن سیاست شهرک‌سازی، یهودی‌سازی و کوچ اجباری فلسطینیان دانستند. قبل از این دیدار، اسامه حمدان عضو ارشد حماس گفت ارتباط حزب‌الله و حماس

رابطه‌ای راهبردی است و اتفاقات معمولی و برخی اختلافات گذشته باعث قطع این ارتباط نشده است. حازم قاسم سخنگوی حماس بیان داشت این دیدار بیانگر پیوندهای مشترک بین مقاومت لبنان و فلسطین است و مهم‌ترین مورد در این پیوندها، مقابله با دشمن مشترک است. دیدار مذکور اولین دیدار شهید هنیه از لبنان بعد از ۱۹۹۳ بود (کیهان، ۱۳۹۹). دیدار او با نصرالله، مقارن با معامله قرن و افزایش فشارها بر جریان مقاومت، پیامی روشن به دشمن مشترک بود. روابط سیاسی حماس با حزب‌الله همواره ناشی از پیوند عمیق روابط نظامی بین دو گروه و بخشی از توسعه روابط سیاسی این گروه با حزب‌الله ناشی از فشار شاخه‌های نظامی حماس به‌ویژه از ۲۰۱۴ به بعد بوده است. اگرچه حماس در تحولات بیداری اسلامی تلاش کرد گرایش‌های عربی خود با اعراب را تقویت کند، اما بی‌میلی برخی کشورهای عربی به حمایت از حماس سبب شد این گروه به توسعه روابط خود با حزب‌الله برای کسب حمایت ایران تکیه کند. بیروت میزبان گفتگوی هماهنگ شده‌ی حزب‌الله بین حماس و سوریه قبل از اعلام احیای روابط بین دو طرف بود. اگرچه اخیراً چندین دیدار بین سوریه و حماس اعلام شده است، اما مهم‌ترین آن‌ها دیدار شهید هنیه و مقامات ارشد امنیتی سوریه بود که در بیروت برگزار شد (Levy, 2021).

۷-۳. همکاری‌های امنیتی

همکاری‌های امنیتی بخش مخفی روابط بین این دو گروه است. تحت هدایت قاطع السنوار و با انتخاب شهید هنیه به‌عنوان رئیس دفتر سیاسی حماس، حماس یک روند تغییر موقعیت امنیتی را آغاز کرد و به تدریج بیشتر به سمت حزب‌الله و ایران کشیده شد. گسترش حضور امنیتی حماس در لبنان با هدف ایجاد جبهه واحد بود تا بتواند مؤثرتر رژیم صهیونیستی را هدف قرار دهد. استراتژی جدید امنیتی جنبش مصمم است لبنان را به هرگونه رویارویی احتمالی آینده با رژیم اشغال‌گر در کنار غزه، کرانه باختری و فضای داخلی این رژیم بکشانند (Davis, 2023)؛ موضوعی که پس از طوفان الاقصی مشخص شد.

السنوار تلاشی برای پنهان کردن اتحاد جدید امنیتی بین حماس و حزب‌الله نداشته و اعلام کرده است که اتاق عملیات مشترک مستقر در لبنان از این جنبش در نبرد شمشیر قدس حمایت کرده است. قبل از طوفان الاقصی گزارش‌های رژیم درباره دخالت عناصر امنیتی حماس در لبنان در رویارویی در نوار غزه هشدار می‌داد. نیروهای صهیونیست افزایش فعالیت‌های امنیتی حماس در لبنان را زیر نظر داشتند، زیرا ترس از حمله قریب‌الوقوع به این رژیم تشدید شده بود (Jawhar, 2022). بنی‌گانتز وزیر دفاع این رژیم در ۲۰۲۲ در مراسم یادبود سربازان صهیونیست کشته شده در جنگ ۳۳ روزه، هشدار داد حزب‌الله با حماس برای توسعه روابط امنیتی و تعمیق کنترل حماس بر اردوگاه‌های فلسطینی در لبنان همکاری می‌کند (Jerusalem post, 2022).

۸- چشم‌انداز آینده روابط

همکاری حزب‌الله-حماس عمدتاً بر اختلافات ایدئولوژیک غلبه کرده و دوام آورده و در راستای منافع دو طرف بوده است. حماس نسبت به گذشته ماهرتر و مسلح‌تر شده و در مواد منفجره و تاکتیک‌های پیشرفته‌تر جنگ چریکی مهارت پیدا کرده است و حزب‌الله در نبرد با رژیم صهیونیستی شریکی دارد که می‌تواند به «درون» مناطق اشغالی دسترسی پیدا کند و جبهه دوم را علیه دشمن مشترک از جنوب یا حتی کرانه باختری باز کند. حمایت از حماس، حرکتی محبوب برای حزب‌الله است که منجر به موج احساسات طرفدار حزب‌الله در کرانه باختری و غزه شد و در بین افکار عمومی کشورهای عرب نگاه به حزب‌الله را تغییر داده است (Baldor, 2020). الگوی موفقیتی که حماس باید از آن بهره‌برداری کند، الگوی یک سازمان ترکیبی نظامی/سیاسی/اجتماعی، و تکامل حماس به یک بازیگر جریان اصلی سیاسی است که شباهت به حزب‌الله دارد.

تجمیع منابع، اشتراک اطلاعات و تخصص به نفع هر دو گروه بوده است. وجود یک دولت حامی برای کمک به بقای هر دو گروه و حفظ اتحاد در مواقع آشفتگی ضروری بود. با نگاهی به تمایز نخستین بین انواع مختلف همکاری، تاریخچه روابط حماس و حزب‌الله حاکی از این است که اتحاد استراتژیک امکان‌پذیر است که می‌تواند از نوع رابطه استراتژیک‌تر بین ایران و حزب‌الله باشد (Staff, 2022). این نوع رابطه در برابر بسیاری از چالش‌ها مقاومت می‌کند.

البته نباید به این نتیجه رسید که این دو گروه از آنچه به نظر می‌رسد به هم نزدیک‌ترند. هیچ تهدیدی وجود ندارد که حزب‌الله و حماس به این زودی‌ها ادغام شوند. عمل‌گرایی آن‌ها را قادر ساخت به یکدیگر نزدیک شوند؛ اما در نهایت یک گروه سنی و گروه دیگر شیعه است و این همچنان عاملی چالشی در پیوند دو گروه است (TRT World, 2022). در مورد چشم‌انداز آینده این رابطه، زمان نشان خواهد داد که آیا اتحاد می‌تواند بر همه موانعی که با آن روبه‌رو هستند غلبه کند یا خیر. این امکان وجود دارد که نبردهای محلی در سوریه به کشورهای همسایه سرایت کند و به نبردی بزرگ‌تر بین سنی‌ها و شیعیان تبدیل شود، همانطور که از زمان سقوط صدام حسین در عراق نیز اتفاق افتاده است.

اگر این اتفاق رخ دهد، نادیده گرفتن تعهدات عقیدتی و مذهبی برای این دو گروه دشوار است. با این وجود، هر دو طرف در کنار ایران اشتراکات زیادی در رابطه با فعالیت نظامی مشترک خود علیه رژیم صهیونیستی دارند و به نظر می‌رسد حزب‌الله در آینده نزدیک حمایت خود از مبارزات فلسطینی را کنار نخواهد گذاشت - به‌ویژه با توجه به محبوبیتی که هم در داخل و هم در سطح جهانی به‌عنوان مبارزی رسا برای آرمان فلسطین دارد. تمجید از ائتلاف حماس-حزب‌الله و همچنین «محور مقاومت» بزرگ‌تر پس از طوفان الاقصی با ورود گروه‌های مقاومت عراق و انصارالله یمن به نبردهای پراکنده علیه صهیونیست‌ها، ممکن است هنوز زودرس باشد. به نظر

می‌رسد همچنان روابط نظامی بیش از دو حوزه دیگر به سبب ضرورت آن در برابر رژیم صهیونیستی، بیش از پیش عمیق‌تر شود. به‌ویژه اینکه حماس نیازمند به تقویت بازدارندگی سریع خود در برابر صهیونیست‌ها پس از پایان جنگی است که به دنبال طوفان الاقصی درگیر آن است.

نتیجه‌گیری

وجود دشمن مشترک بستر رفع همه اختلافات بین حزب‌الله و حماس را فراهم نکرده است، اگرچه اختلافات ایدئولوژیک نیز سبب واگرایی دو گروه نشده است. تحولات سوریه و مصر به حماس نشان داد نمی‌تواند به ارزش‌های ایدئولوژیک با دیگر اعراب متکی باشد. رفتار مصر و قطر با این جنبش سبب شد حماس گرایش‌های اخوانی خود در مقابل حزب‌الله را نادیده گیرد. از سوی دیگر وجود بازیگر دولتی قدرتمند و منطقه‌ای همگرایی حماس و حزب‌الله را همواره در پی داشته است. ایران با کمک این بازیگران هم موازنه تهدید علیه صهیونیست‌ها را تشدید کرده، و هم موازنه قدرت به سود این دو گروه را در مجاورت سرزمین‌های اشغالی شکل داده است. به هر میزان که عملگرایی رژیم صهیونیستی با محافظه‌کاران عرب بیشتر شده است، روند همکاری حماس-حزب‌الله نیز تشدید خواهد شد. اوج این همکاری طرح جبهه واحد مقاومت و تشکیل حماس در لبنان و ورود حزب‌الله به فاز نظامی در حمایت از غزه است که در جنگ ۲۰۲۳ و پس از عملیات طوفان الاقصی نمود یافت. بنابراین در شرایط تشدید تهدید، تحقق وحدت میادین امکان‌پذیر است.

اگرچه تحولات منطقه‌ای سبب وقفه در روابط دو گروه شد، به نظر می‌رسد تجربه این تحولات به حماس نشان داد در آینده نمی‌تواند به بازخیزی اخوان و تکیه به آن بیاندیشد. چرا که هیچ دولت قدرتمندی پشتیبان جریانات سلفی اخوانی در منطقه نیست و تا زمانی که حامی دولتی وجود ندارد، حتی دولتی اخوانی منافع ملی را بر همکاری با یک گروه غیردولتی ترجیح می‌دهد. از سوی دیگر فشار ساختار بین‌المللی به‌ویژه نقش آمریکا در عادی‌سازی روابط اعراب با صهیونیست‌ها، گروه‌های مقاومت را بیش از پیش به عمل‌گرایی سوق داد و برای افزایش نقش خود ناچار به افزایش همکاری بین خود شدند. با توجه به وضعیت توسعه نفوذ رژیم صهیونیستی، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، این همکاری در آینده روند مثبتی خواهد داشت؛ به‌ویژه اینکه تعداد و عمق جنگ‌های حماس علیه این رژیم افزایش یافته است و حماس برای حفظ موازنه به حمایت حزب‌الله نیاز دارد تا در چند جبهه با دشمن مشترک خود وارد نبرد شود.

کتابنامه

- سیمبر، رضا، بازدار، حسن، (۱۴۰۲)، درک قدرت هوشمند حماس و حزب الله و تأثیر آن بر موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات کاربردی بنیادین جهان اسلام، ۵(۳): ۱-۲۳.
- موسوی، سید صالح، علویان، مرتضی، (۱۴۰۱)، بررسی وجوه اشتراک و افتراق اندیشه سیاسی جنبش حزب الله لبنان با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۹(۳۱): ۱۰۵-۱۲۵.
- ایسنا، (۱۴۰۱). «دیدار هیئت حماس با دبیرکل حزب الله لبنان»، دسترسی به تارنما: <https://www.isna.ir/news/1401122819898/>
- جهان نیوز، (۱۴۰۰)، «برآشفته‌گی صهیونیست‌ها از دیدار هیئت حماس با سید حسن نصر الله»، دسترسی به تارنما: <https://www.jahannews.com/news/>
- کیهان، (۱۳۹۹)، «تقویت روابط حزب الله لبنان و حماس برای مقابله با رژیم صهیونیستی در دیدار سید حسن نصرالله و اسماعیل هنیه»، دسترسی به تارنما: <https://www.magiran.com/article/4088847>
- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، (۱۳۹۳)، «۲۰ جمله از رهبر انقلاب درباره موضع جمهوری اسلامی نسبت به اسرائیل»، دسترسی به تارنما: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28850>

References

- Abi akl, Yara (2023), "Hezbollah and Hamas execute the same agenda: military expert", <https://today.lorientlejour.com/article/1334188/hezbollah-and-hamas-execute-the-same-agenda-military-expert.html>
- Baldor, Lolita (2020). "US to ask NATO to pay more to protect Saudi Arabia from Iran", <https://apnews.com/47f554cf90564ac5869579f1fa37633a>
- Bapat, Navin A. and Kanisha D. Bond, "Alliances between Militant Groups", *British Journal of Political Science* 42, no. 4 (2012): 795-796
- Blanford, Nicholas (2023). "Hezbollah and its allies are more emboldened than they've been in nearly two decades", <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/hezbollah-and-its-allies-are-more-emboldened-than-theyve-been-in-nearly-two-decades/>
- Cafiero, Giorgio and Peter Certo (2014). " Hamas and Hezbollah Agree to Disagree on Syria", <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/hamas-and-hezbollah-agree-to-disagree-on-syria/>

- Caspi, Ben (2023). "Israeli fears grow of united Hezbollah-Hamas-Iran front", <https://www.al-monitor.com/originals/2023/04/israeli-fears-grow-united-hezbollah-hamas-iran-front>
- Chararah, Nasser (2014). "Hezbollah, Hamas repair political ties during breakup", <https://www.al-monitor.com/originals/2014/07/hezbollah-hamas-repair-ties.html>
- Christopher, Nicolaos (2017). "The evolution of Hamas in the context of the Syrian crisis", <https://scholarworks.aub.edu.lb/handle/10938/10017>
- Chumley, Cheryl K. (2013) "Hamas, Hezbollah, Iran agrees to 'Axis of Resistance'", The Washington Times, <http://www.washingtontimes.com/news/2013/sep/23/hamas-hezbollah-iran-agree-axis-resistance/>
- Cragin, Kim (2016). Hezbollah and Hamas, RAND Cooperation, <https://www.jstor.org/stable/pdf/10.7249/mg430af.9.pdf?>
- Danin, Robert (2012). "Hamas Breaks from Syria", <https://www.cfr.org/blog/hamas-breaks-syria>
- Davis, Hanna (2023). "Hamas and Hezbollah: Growing coordination in Lebanon?", <https://www.newarab.com/analysis/hamas-and-hezbollah-growing-coordination-lebanon>
- Doukhi, Noura (2022). "Hamas and Syria: Normalization after a decade of rupture", <https://today.lorientlejour.com/article/1311778/hamas-and-syria-normalization-after-a-decade-of-rupture.html>
- Fabian, Emanuel (2023). "With support of Iran and Hezbollah, experts believe Hamas well established in Lebanon", <https://www.timesofisrael.com/with-support-of-iran-and-hezbollah-experts-believe-hamas-well-established-in-lebanon/>
- Fisher, Max (2017). "How the Saudi-Qatar Rivalry, Now Combusting, Reshaped the Middle East", <https://www.nytimes.com/2017/06/13/world/middleeast/how-the-saudi-qatar-rivalry-now-combusting-reshaped-the-middle-east.html>
- Frantzman, Seth (2017). "How significant are Israel's relations with the Arab world?" <https://www.jpost.com/Israel-News/How-significant-are-Israelis-relations-with-the-Arab-world-519959>
- Ghaddar, Hanin (2013). "The Marriage and Divorce of Hamas and Hezbollah", <https://www.wilsoncenter.org/article/the-marriage-and-divorce-hamas-and-hezbollah>
- Gleis, Joshua L. and Benedetta Berti (2012). "Hezbollah and Hamas: A Comparative Study". Baltimore: The Johns Hopkins University Press,
- Hussein, Mohammad (2024). "Mapping 7400 cross-border attacks between Israel and Lebanon", <https://www.aljazeera.com/news/2024/6/27/mapping-7400-cross>
- Jawhar, Souhayb (2022). "Lebanon: New Strategic Base for Hamas", <https://carnegieendowment.org/sada/88184>

- Jerusalem post (2022). “Hezbollah working with Hamas on military cooperation – Gantz”, <https://www.jpost.com/breaking-news/article-711890>.
- Kanter, James and Jodi Rudoren (2019). “European Union Adds Military Wing of Hezbollah to List of Terrorist Organizations”. The New York Times, <http://www.nytimes.com/2013/07/23/world/middleeast/european-union-adds-hezbollahwing-to-terror-list.html?pagewanted=all&r=0>
- Katz, Yaakov (2020). “Security and Defense: Preparing for War on all Fronts”. The Jerusalem Post, <http://www.jpost.com/Features/Front-Lines/Security-and-Defense-Preparingfor-war-on-all-fronts>
- Koss, Maren (2023). “Flexible Resistance: How Hezbollah and Hamas Are Mending Ties”, <https://carnegie-mec.org/2018/07/11/flexible-resistance-how-hezbollah-and-hamas-are-mending-ties-pub-76782>
- Koutsoukis, Jason (2017) “Israel Wary of Second Front against Hezbollah”. The Sydney Morning Herald, <http://www.smh.com.au/news/world/israel-wary-of-second-frontagainst-hezbollah/2009/01/05/1231003936975.html>
- Lecocq, Sharon (2021). “Hamas and Hezbollah: hybrid actors between resistance and governance”, International Affairs, Volume 96, Issue 4, July 2020, Pages 1069–1079
- Levy, Ido (2021). “How Iran Fuels Hamas Terrorism”, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/how-iran-fuels-hamas-terrorism>.
- Lissner, Rebecca Friedman, Micah Zenko (2017). “There Is No Trump Doctrine, and There Will Never Be One”, <http://foreignpolicy.com/2017/07/21/there-is-no-trump-doctrine-and-there-will-never-be-one-grand-strategy/>
- Madawi AlRasheed (2017). “Saudi Arabia’s Regional Foreign Policy is Fracturing the Gulf”, <http://www.sharqforum.org/2017/09/14/saudi-arabias-regional-foreign-policy-is-fracturing-the-gulf/>
- Moghadam, Assaf (2012). “Cooperation between Terrorist Groups”. <https://core.ac.uk/download/pdf/12210637.pdf>
- Oseran, Shai (2013). **Hezbollah-Hamas Cooperation: Motivations, Manifestations and Future Outlook**, International Institute for Counter-Terrorism
- Phillips, Brian J (2013). “Terrorist Group Cooperation and Longevity”. **International Studies Quarterly**. Vol.7. No. 9. 1-12.
- Potter, Philip B.K. and Michael C. Horowitz (2012), “Allying to Kill: Terrorist Intergroup Cooperation and the Consequences for Lethality”, **Journal of Conflict Resolution**, Vol. 2. No.5. Pp 21-37.
- Reigeluth, Stuart (2011). “Hamas and Hezbollah: Reflections of resistance, challenges for democracy”, https://www.cidob.org/en/articulos/revista_cidob_d_afers_internacionals/9_3_94/hamas_and_hezbollah_reflections_of_resistance_challenges_for_democracy
- Shlaim, Avi (1994). “The Rise and fall of the Oslo Peace Process”, <http://users.ox.ac.uk/>

~ssf0005/The%20Rise%20and%20Fall%20of%20the%20Oslo%20Peace%20Process.pdf

Staff, Mee (2022). " Hamas restores ties with Syria as leaders meet with Bashar al-Assad", <https://www.middleeasteye.net/news/hamas-restores-ties-syria-leaders-meet-assad>

The New York times (2016). "Can Israel and the Arab States Be Friends?", <https://www.nytimes.com/2016/08/28/opinion/sunday/can-israel-and-the-arab-states-be-friends.html>

TRT World (2021). "Has the Gaza crisis strengthened the Hamas-Hezbollah relationship?" <https://www.trtworld.com/magazine/has-the-gaza-crisis-strengthened-the-hamas-hezbollah-relationship-47992>

Yaari, Ehud (2014). " Hamas opts for the Hezbollah Model", <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/hamas-opts-hezbollah-model>.